

نگاهی به نمایشگاه‌های یرواند نهاپتیان، هانیبال الخاص و ناصر اویسی

# جلوه‌هایی از همزمانی نوگرایی در هنر معاصر

«خاتوزین»

مادر اسطوره‌های کردستان



خاتوزین در دوازدهم مردادماه سال ۱۳۰۰ در روستای «بوگه به سی» از توابع شهرستان سقز به دنیا می‌آید.

او از همان کودکی به خاک و آب و ترکیب آن عشق می‌ورزد. از آنجایی که وی فاقد هر گونه سواد نوشتاری بوده در دوران میانسالی شروع به ساخت انواع پیکره‌هایی می‌کند که ترکیبی بسیار عجیب و غریب داشت. جالب اینکه او خودش این پیکره‌های شگفت‌انگیز را عجیب و غریب نمی‌پنداشت؛ پیکره‌های ترکیبی که از لحاظ فرم و محتوا سرشار از تأمل و معنا و از لحاظ بصری بسیار گیرا، تأثیرگذار و شگفت‌انگیز است.

به گزارش ایسنا، پیکره‌های ساخته خاتوزین، مخاطب حرفه‌ای امروز را با سوالات بزرگی مواجه می‌کند که آیا این بانوی هنرمند با آثار تاریخی - باستانی گذشتگان آشنایی داشته است؟ چه میزان تحت تأثیر ادبیات شفاهی - روایی که سینه به سینه از نسل‌های پیشین به وی منتقل شده قرار گرفته است؟ آیا این طرح‌های اساطیری به او الهام می‌شده است؟ سوالات بسیار دیگر که شاید با دیدن آثارش به آنها برسیم.

از این منظر برخی معتقدند این امر ناشی از این بوده که خاتوزین در منطقه‌ای خوش آب و هوا زندگی می‌کرد که از گذشته‌های دور مأمن و جایگاه بوده است و همچنین این منطقه به محوطه‌های باستانی همچون قلعه بیگ اویسی، قلاچی، حسلو و زیویه که به دوره‌های ماننا و مادها برمی‌گردد نزدیک بوده است.

فارغ از اینها جالب اینکه در سال ۱۳۷۲ تعدادی از آثارش را در فینال مجسمه‌سازی تهران به نمایش می‌گذارند که موفق به کسب «رتبه برتر» این رخداد هنری کشوری می‌شود. نام اصلی وی خاتون صالحی بوده و ظاهراً نخستین بار توسط نیروهای جهاد سازندگی با ساخت مستندی از زندگی وی به ایران و جهان‌بین معرفی شد.

هم‌اکنون تعدادی از آثار فاخر و شگفت‌انگیز مادر اسطوره‌های کردستان در موزه مردم‌شناسی خانه‌گرد نگهداری می‌شود و در معرض دید عموم است. خاتوزین هنرمندی خودپرور بود که آثارش شامل دو بخش حیوانات واقعی و گریوفن بوده که در علم باستان‌شناسی به حیواناتی گفته می‌شود که ترکیبی از چند حیوان است. مجسمه‌های خاتوزین اغلب در رویا و خواب او شکل می‌گرفت؛ اشکالی انتزاعی و عجیب که شامل ترکیبی از اندام حیوانات و پرندگان بود. او مجسمه‌ها را برای گذران زندگی می‌ساخت و به اهالی روستای فروخت.

خاتوزین در دوران جوانی‌اش به تنهایی خاک مجسمه‌ها را از دامن کوه به خانه می‌آورد و با آن مجسمه می‌ساخت، ولی بعدها پسر و عروسش هم کمکش می‌کردند. خاتوزین شوخ طبع و مهربان بود، چهره بسیار جذاب و چشمانی رنگین داشت. برای هر مجسمه‌اش قصه‌ها داشت که از شنیدن آن سیر نمی‌شدید. خاتوزین پس از مرگش شهرت بیشتری پیدا کرد ولی صدافسوس که در طول حیات خود با فقر و تنگدستی زندگی کرد.

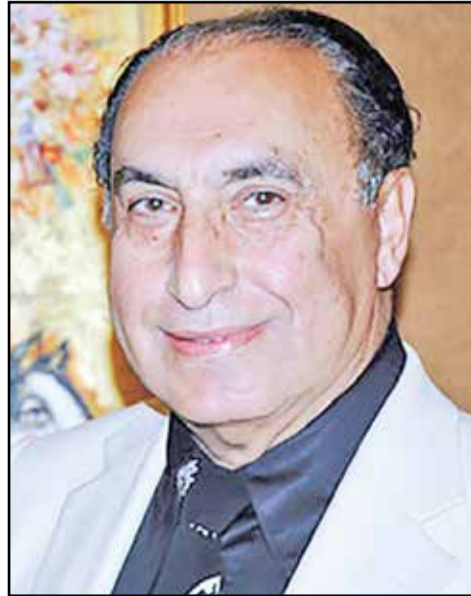
او هنرمندی به تمام معنی بود. یک هنرمند که هرگز به فکرش خطور نکرد بسیار بیشتر از آن است که خودش می‌داند و می‌بیند! او بسیار بزرگتر و توانا تر از آنچه ما هم می‌دانستیم بود. بانویی که با وجود غریب بودن هنرش در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرد عاشقانه خلق می‌کرد و پس پرده مخلوقاتش پر از زیبایی، احساسات قدرتمند و در عین حال حس لطیفی موج می‌زد که نظیرش را در کمتر زنی با آن موقعیت و در آن محیط فرهنگی می‌توان یافت.

یادآور می‌شود خاتوزین این مادر اسطوره‌های کردستان در سال ۱۳۷۴ در سن ۷۴ سالگی در همان روستای محل زندگیش چشم از جهان فرو می‌بندد و دنیای هنر و اسطوره‌شناسی را با سوالات بسیار تنها می‌گذارد.

بهروز فاتحیان

ارائه مجموعه‌هایی از هنرمندان شاخص متعلق به گفتمان هنر نوگرایی ایران در میان رخداد‌های هنرهای تجسمی این روزها را می‌توان به عنوان فرصتی برای مرور آنچه فرهنگ بصری قرن حاضر ایران را شکل داده در نظر گرفت. به‌رغم اطلاق عنوان عمومی نوگرایی به تجربه‌های نسل‌هایی از هنرمندان تجسمی که از پیوستگی یک جریان هنری و تاریخی شاخص نشان دارد، اما دقت نظر در زیر و بم این تجربه‌ها همان اندازه که مبتنی بر اشتراکات و هم‌داستانی‌هاست، ناظر بر طیف‌ها و رویکردهای گوناگون در این جریان عمومی هنر ایران هم هست. همزمانی نمایش مجموعه‌ای از یرواند نهاپتیان، هانیبال الخاص و ناصر اویسی، سه هنرمند شناخته شده نوگرایی ایران به عنوان نمونه‌ای از این همزمانی‌ها ترکیبی جالب توجه و مصداقی عینی از این رنگارنگی‌ها را شکل داده است.

**آثار یرواند نهاپتیان در گالری نقش جهان** نمایش آثاری از یرواند نهاپتیان



در گالری نقش جهان سه عنوان هنرمندی شاخص از مکتب آبرنگ اصفهان یکی از مجموعه‌هایی است که بخشی از فرهنگ بصری ایران را نمایندگی می‌کند. این مکتب هنری اگرچه در چشم‌انداز عمومی هنر نوگرایی ایران اغلب چندان مود توجه قرار نگرفته، اما در پازلی که تحت عنوان نوگرایی می‌خوانیم سهمی را ایفا می‌کند که تا اندازه زیادی از نظر هادور مانده است. نهاپتیان در جایگاه یکی از بنیانگذاران مکتب آبرنگ اصفهان، از قضا هنرمندی شمرده می‌شود که علاوه بر پی‌گرفتن مسیری که ذیل این مکتب هنری سامان می‌گیرد، دست به تجربه‌هایی می‌زند که به طور مشخص در ردیف نوگرایی قرار می‌گیرند. نقاشی «برج ناقوس کلیسا» از این هنرمند که در ده تجربه‌های کوبیستی نهاپتیان قرار می‌گیرد نمونه‌ای شاخص از رویکرد نوگرایانه این هنرمند در جوار تجربه‌های عمومی‌تر هنری است که از نقش آفرینی‌های این هنرمند در نخله‌های پیشرو هنر ایران حکایت دارد. رویکرد جالب توجه نهاپتیان در

این اثر نمونه‌ای هنگامی برجسته‌تر به نظر می‌آید که او چنین تجربه‌های نوآورانه‌ای را بر زمینه همان مکتب عمومی آبرنگ بنامی‌کند. او در حقیقت با اتخاذ چنین رویکردی دو وجه بسیار متفاوت آفرینش هنری خود را با یکدیگر پیوند می‌زند و به این ترتیب بر لایه‌های تمامیت تجربه‌های هنری‌اش می‌افزاید.

نهاپتیان همچنان که در مجموعه آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه بروز پیدا کرده تجربه‌های نوآورانه خود را در مجاورت هنری واقع‌گرایانه و بازتاب‌دهنده جهان عینی است که پیش می‌برد.

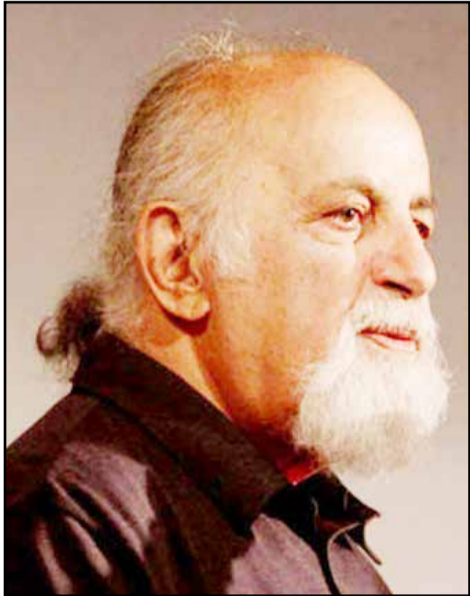
**آثار هانیبال الخاص در گالری ویستا**

هانیبال الخاص که بخشی از آثار طراحی‌اش این روزها در گالری ویستا به نمایش درآمده، در زمره هنرمندانی است که کلیت تجربه‌های هنری‌اش در مسیر هنر نوگرا قرار می‌گیرد. تحصیل در آکادمی‌های هنری و قرار گرفتن در کوران جریان‌های پیشرو هنر کاراکنتر هنری یکدستی را برای او

**همزمانی نمایش مجموعه‌ای از یرواند نهاپتیان، هانیبال الخاص و ناصر اویسی، سه هنرمند شناخته شده نوگرایی ایران، ترکیبی جالب توجه و مصداقی عینی از رنگارنگی راشکل داده است**

به مرغان آورده اما روحیات خاص او در نحوه نگاهش به نوگرایی هنری همچنان واجد خصلت‌های منحصر بفرد او و مصداقی دیگر از رنگارنگی و لایه‌مندی آنچه است که در چشم‌اندازی عمومی به عنوان نوگرایی شناسایی می‌کنیم. این ویژگی‌های منحصر بفرد آثار هانیبال الخاص که بخشی از آن در این نمایشگاه ارائه شده، در نگاهی اجمالی در دو بخش شناخته

یکی از این‌ها باستان‌گرایی مضمونی در بخشی عمده از تجربه‌های هنری اوست که به نظر می‌رسد تا اندازه زیادی در ریشه‌های هویتی الخاص به عنوان



یک اقلیت قومی و دینی معنی می‌شود.

روایت‌های اسطوره‌ای و باستانی متعددی که درنمایه مضمونی بسیاری از آثار این هنرمند را شامل می‌شود یکی از وجوه شاخص تجربه‌های هنری نوین این هنرمند به حساب می‌آید و ابعاد منحصر بفردی را به بدنه کلی هنر نوگرایی ایران می‌افزاید. همچنین ادراک تحول خواهانه هانیبال الخاص از آنچه بیان هنری می‌خوانیم، وجه قابل‌اعتنای دیگری در آثار او را شکل داده که در نوع خود منحصر بفرد و کم‌نظیر است.

به این ترتیب هانیبال الخاص در فضای بینابینی میان آنچه هنرمند و هنر روایتگر می‌خوانیم توانسته در نقطه معناداری بایستد و تجربه‌های هنری خود را شکل دهد.

**آثار ناصر اویسی در گالری چهار**

نمایشگاه دیگری که این روزها به ارائه آثاری از یک هنرمند شاخص نوگرا اختصاص پیدا کرده، مجموعه‌ای از ناصر اویسی در گالری چهار است. اویسی به عنوان یکی از

دقت نظر در زیر و بم نوگرایی نسل‌هایی از هنرمندان تجسمی همان اندازه که مبتنی بر اشتراکات و هم‌داستانی‌ها است، ناظر بر طیف‌ها و رویکردهای گوناگون در جریان عمومی هنر ایران هم هست

هنرمندان شاخص مکتب سقاخانه با تلفیق‌هایی که در زمینه عناصر سنتی هنر ایرانی و بیانی نوگرا دنبال کرده شناخته می‌شود. نقاشی‌های تغزلی اویسی که عناصری آشنا از هنرهای سنتی ایران را یادآوری می‌کنند اما در شیوه بیان کمتر به اشکال سنتی توجیه نشان می‌دهد و عناصر مورد نظرش را به عنوان مواد بصری در اختیار می‌گیرد. شاید بیش از همه افت و خیزهای تکنیکی در بوم‌های او کمتر جایی دارند و این یک استراتژی بنیادی در مسیر آفرینش هنری اوست و از این جهت، اویسی هنرمندی است که مؤلفه‌های مورد نظر خود در نقاشی‌هایش را دست‌کم از نظر شکلی، به طرز یکتا و بی‌دست و بی‌بسته دنبال کرده است.

از این منظر، نقاشی‌های او را از لحاظ ویژگی‌های بصری نمی‌توان به وضوح در دوره‌های تفکیک‌شده‌ای جای داد. جهانی که او با مجموعه نقاشی‌هایش تا اینجا ارائه داده است، فارغ از مضمون یا موضوعیت هر یک از آنها، جهانی با مناسبات و مختصاتی ثابت و نامتغیر است. نشانگان فرهنگ عامه و ساختارگرایی هنر مدرن از سوی دیگر، به یک زبان تصویری نو در آثار او می‌انجامد و هم‌زمان تا اندازه‌ای به تبعیت از ویژگی‌های شناخته شده مکتب سقاخانه عناصر آشنای هنر سنتی ایران را در یک فضای صرف بصری نشانه‌گذاری می‌کند.

گالری گردی

نگاهی به روزنگارهای نادر ضوی پور در زیرزمین دستان

## خبرهایی که نقاشی شدند

علیرضا بخشی استوار

نمایشگاه «روزنگار ۱۳۸۶/۸۹» به آثار نادر ضوی پور می‌پردازد که در «زیرزمین دستان» به نمایش درآمده است. این آثار که روی صفحات یک تقویم دستی کشیده شده است، مربوط به دوران خاصی از فعالیت هنرمند است که مشابیهتی با فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این روزها دارد.

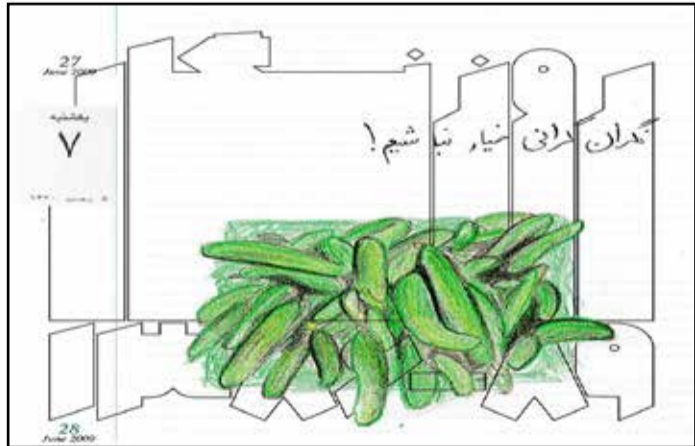
این هنرمند به دلیل بروز مشکلاتی در روند فعالیت هنری خود و پس از تعطیلی آتلیه‌آله به عنوان یک فضای کار گروهی، به‌انجام چنین فعالیتی دست می‌زند که نگاه متفاوتی را در عالم هنر دنبال کرده است. کیفیت آثار این هنرمند در نگاه نخست به گونه‌ای است که برمی‌انگیزد. اگر از واژه نابلد استفاده نکنیم شاید واژه هنر جو یا تازه کار واژه بهتری باشد. او در روزهای مشخصی از سال، یک تیتیر خبری را انتخاب و متناسب با آن تیتیر، طرحی را در همان قسمت از تقویم کشیده است.

رضوی پور دست به شیوه متفاوتی در بیان کنش ذهنی خود نسبت به دوران معاصرش داشته است. او احساس خود را از دنیای پیرامون به واسطه زبان یا رسانه تخصصی‌اش در ساحت عمومی منعکس کرده است. طراحی‌های این هنرمند از یک زیبایی‌شناسی منحصر به فرد پیروی می‌کند. طراحی‌های او به شکلی خام‌دستانه و البته نه مبتنی بر فن نقاشانه رقم خورده است و این اقدام هنرمند،

مخاطب را به همان ساحت سوم می‌برد و بر آن ساحت تأکید بیشتری می‌کند زیرا درگیری مخاطب با نقاشی فقط حس او از خبر را مضعف کرده و زیاد درگیر تصویر نقاشی شده نمی‌کند. همان گونه که از اسم نمایشگاه برمی‌آید او در آثارش روزنگاری کرده است. هنرمند در چنین شرایطی نقش یک کارتون‌ساز را بازی کرده است. در ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن، بینش خود نسبت به یک اتفاق، حادثه یا موضوع را منعکس کند. رضوی پور

در این مجموعه به دنبال به رخ کشیدن هنر نقاشی‌اش نیست و به همین جهت پرداختن به صورت ظاهر آثارش شاید کاری عبث باشد. بستر آثار او به عنوان یک روزنگاری از چند بعد قابل بررسی است که به آن می‌پردازیم. او در وهله اول، روزنگاری را از دریچه یک نقاشی دنبال کننده خبر نمایان می‌کند. پس از تماشای آثارش این سوال به وجود می‌آید چرا هنرمند نسبت به این موضوعات حساس بوده و این اخبار را برای تصویر کشیدن انتخاب کرده است؟ در این آثار اخبار سیاسی، اجتماعی، علمی، محیط زیستی و البته حوادث به کرات دیده می‌شود. این مساله از جنبه‌ای می‌تواند نگاه هنرمند را نمایان کند و از سوی دیگر این امکان را در خود دارد که هنرمند با انتخاب این اخبار نقدی به مطبوعات و جامعه دارد. مساله دوم خوانشی تاریخی از وقایع یک اجتماع از نگاه یک هنرمند است که بسیار اهمیت دارد. او به عنوان یک هنرمند در برابر وقایع روزمره و آکنش نشان داده و بخشی از آن را انتخاب و

مخاطبش رقم می‌زند. هنرمند در تصویر به بازگشت دوباره تیتیرها اشاره می‌کند. در پس آن این سوال به وجود می‌آید که چرا اتفاق‌ها این قدر زود فراموش و دوباره در ذهنش تاز می‌شوند؟ به عقیده نگارنده هنرمند با تکرار این کار ما را



نسبت به این ضعف خود حساس می‌کند. ضعف فراموش‌کاری در قبال رویدادها که به دلیل عدم ثبت آن در فضای شخصی و از سوی سخن گفتن درباره آن به تجربه تبدیل نشده و بار دیگر ظاهر می‌شوند و ما را در مخمصه‌ای نو می‌اندازند. در کنار آثار این نمایشگاه کتاب این

نسبت به این ضعف خود حساس می‌کند. ضعف فراموش‌کاری در قبال رویدادها که به دلیل عدم ثبت آن در فضای شخصی و از سوی سخن گفتن درباره آن به تجربه تبدیل نشده و بار دیگر ظاهر می‌شوند و ما را در مخمصه‌ای نو می‌اندازند. در کنار آثار این نمایشگاه کتاب این

نسبت به این ضعف خود حساس می‌کند. ضعف فراموش‌کاری در قبال رویدادها که به دلیل عدم ثبت آن در فضای شخصی و از سوی سخن گفتن درباره آن به تجربه تبدیل نشده و بار دیگر ظاهر می‌شوند و ما را در مخمصه‌ای نو می‌اندازند. در کنار آثار این نمایشگاه کتاب این